

Mirza, Gabriel
ISBN 964-2881-26-8
مجموعه شعر جهان
شب زنبیل سیاهی ست

گزیده اشعار گابر یلا میسترال

ترجمه فؤاد نظیری



2171
67/71-67/71
mirzasid_pub@yahoo.com

تسن هلیت پایین بیسه
را لیتسیه کلریلا
رقیو ایفا کله نمجه
ایا واد رو لایق
بالقه نیت به کله وایله
نشلا بیلو
ن او ایلو
ایا



ISBN 964-2881-1882-3
اشارات فرواریه

با همکاری مرکز بین المللی گفتگوی تمدن‌ها

فهرست

۱۱	پیشگفتار مترجم فارسی
۱۷	گابریلا میسترال، روح بی قرار
۲۷	یادداشت مترجم
بخش ۱- ویرانی ۲۹	
۳۱	آینده
۳۳	قطره‌های زرداب
۳۵	حکیم محبس
۳۷	زن هشیار
۳۸	استخوان‌های مُرده
۳۹	چکامه
۴۱	وسواس
۴۳	اگر خدا خواهد
۴۸	ده فرمان هنرمند
۵۰	شب بیداری بیهوده

۹۳	طاووس	۲۱
۹۴	طوطی	۲۱ (۵)
۹۶	هوا	۲۱
۹۷	میوه	۲۱ بخش ۵ - شعر شیلی ۱۹۱
۹۹	توت فرنگی وحشی	۲۱
۱۰۰	جنگل کاج	۲۱
۱۰۱	کالسکه ی ملکوت	۵۱
۱۰۳	بانوی بهار	۵۱
۱۰۶	فرشته ی نگاهبان	۵۱
۱۰۹	برای نوئل	۵۱ بخش ۲ - شعر ۲۵۱
۱۱۱	مادز انار	۵۱ همیشه بهار
		۱۹۱
		۲۹۱
		۸۹۱
۱۱۹	ثروت	۱۱
۱۲۰	پردیس	۱۱
۱۲۲	شکوه	۱۱
۱۲۵	گل سرخ	۱۱
۱۲۶	گل هوا	۱۱
۱۳۲	دریای کارائیب	۱۱

بخش ۲ - نازکدلی ۶۱

۵۳	دوباره دیدن او
۵۵	به ابرها
۵۷	قله
۵۹	نرم بار
۶۳	جنبش
۶۴	نزدیک من
۶۶	از آن تو بودم
۶۸	مادر غمگین
۶۹	خاک شیلی
۷۱	حلقه ی رنگ ها
۷۴	حلقه ی رنگین کمان
۷۶	آنان که نمی رقصند
۷۸	حلقه ی آرژانتین
۸۰	حلقه ی عطرها
۸۲	گردوی پوک
۸۵	صندوقچه ی کوچک از دیار آلیانلا
۹۱	موش

- ۱۸۷ توجه احساس می کنی در خاک؟
 ۱۸۹ غزل های مرگ (۵)

بخش ۵ - شعر شیلی ۱۹۱

- ۱۹۳ والپاریسو
 ۱۹۴ کرب شیدر
 ۱۹۶ درختان سپیدار
 ۱۹۸ تالکاهوانو
 ۲۰۰ ادراک
 ۲۰۲ درخت همیشه بهار

- ۱۳۵ زن بیگانه
 ۱۳۷ طراوت
 ۱۴۰ چیزها
 ۱۴۵ دیوار
 ۱۴۶ سرود دختران مرده
 ۱۴۹ اقرار
 ۱۵۳ زنان کاتالونیایی
 ۱۵۵ گریز

بخش ۴ - چرخشت ۱۵۹

- ۱۶۱ دیگری
 ۱۶۴ خشخاش کالیفرنیا
 ۱۶۸ تمنایی برای بلانکا
 ۱۷۰ سپیده دم
 ۱۷۲ صبح
 ۱۷۴ غروب
 ۱۷۵ شب
 ۱۷۶ ستاره ی کریسمس از دیار آینلا
 ۱۷۹ مادر من

پیشگفتارِ مترجمِ فارسی

هنگامی که مشغول ترجمه‌ی شعرهای **گابریلا میسترال** بودم، گاه به شکلی شگفت‌انگیز احساس می‌کردم **پابلو نرودا** است که دارد با من گفت‌وگو می‌کند و برایم شعر می‌خواند. زمینه‌های ذهنی و فرهنگی هر هنرمندی را بی‌گمان عوامل بسیاری اعم از باطنی یا اکتسابی و مستقیم و غیرمستقیم شکل می‌بخشد که نقش خاطراتِ دورانِ کودکی، نوجوانی، جوانی و دیگر مراحلِ زندگی و برخورد و ارتباط با انسان‌ها از خانواده تا اجتماع و از فرد تا جمع، و تجربه‌های خام تا پخته‌ی دوره‌های مختلفِ عمر، در آن بسیار بنیادین و تعیین‌کننده است. **نرودای** نوجوان، نخستین تجربه‌های نوشتن را هنگامی آغاز می‌کند که محصلِ مدرسه‌ی متوسطه‌یی به مدیریت **گابریلا میسترال** بوده است. شاعرِ نوجوان از شاعرِ - معلمِ بزرگ‌تر بسیار می‌آموزد. روزها مواجیم می‌گذرند، تا سال‌ها بعد **نرودای** بزرگ در اوج شکوه شعرِ خویش، ناگاه با جانِ سوخته، در دلِ مجموعه‌ی سترگ «صد غزلِ عاشقانه»، **مهرِ معلمِ قدیم** خود را بهانه‌یی می‌سازد تا در کشاکشِ شیدایی و شورِ عشق، مرثیه‌یی غمبار و تلخ برای او ساز کند:

شاعرانِ شوربخت، زندگی و مرگشان

روزهایی که این ترجمه را تازه دست گرفته بودم، دوست بزرگ تر و بزرگوام احمد رضا احمدی، شاعر دُر دانه‌ی دوران ما، گفت: می‌دانی اولین بار چه کسی گابریلا میسترال را به زبان فارسی معرفی کرد؟ گفتم: نمی‌دانم. گفت: حسینعلی هروی در کیهان ماه، شماره اول، خرداد ۱۳۴۱. و مجله را آورد. گفتم خودم هم مجله را دارم. چند سال قبل از یک کتاب فروش کنار خیابان خریده‌ام. گفت از او یاد کن. احمد رضا احمدی دل دریایی دارد و مهر آسمانی و حافظه‌ی غریب. می‌زنم به تخته و برایش آرزوی سلامت و عمر دراز دارم.

و حالا من دو شماره مجله‌ی کیهان ماه را پیش رو گذاشته‌ام و نگاه می‌کنم به گذشته. و شاید هم دارم یک جوری با حسّی از غم غربت نگاه می‌کنم به گذشته‌ی خود، به هفت سالگی. ای هفت سالگی، ای لحظه‌ی شگفت عزیمت... و به سال‌هایی که در دل بادها گم شد. نگاه می‌کنم به دو مجله، با جلدهای مقوایی کهنه و به زردی گراییده، که تنها همین دو شماره درآمد به تاریخ خرداد و شهریور ۴۱، و دیگر، توقیف! هر دو شماره بسیار پُربار و زیر نظر زنده‌یاد جلال آل احمد. و من پس از سال‌ها، نشسته‌ام به تماشا و ستایش ردّ دست آنها که با تمام جان و توش و توان‌شان، کارهایی کردند ماندگار و کارستان. و در صفحات آخر شماره‌ی اول، شعر دعا برای آنها که خودکشی کرده‌اند از گابریلا میسترال، شاعره‌ی شیلی، به ترجمه‌ی حسینعلی هروی.

دکتر حسینعلی هروی، نویسنده، محقق و حافظ‌شناس، که شگفتا خود به پیرانه‌سر، رنج تلخ بی‌مهری‌ها و بازی‌های روزگار را تاب نیاورد و به گونه‌ی در دُبار خودکشی کرد. بر می‌خیزیم و برای او هم دعا می‌کنیم.

در فشارِ همسانِ سماجی تاریک،
و سپس در غبارِ اندوده‌ی تشییع بی‌احساس،
پذیرای آیین‌ها و، تدفینِ دندان‌ها.

آنان - تیره چون ریگِ روان - اینک
غنوده در پی اسبانِ پر غرور،
به فرجام، مقهورِ بیدادگران در میانِ تیمارگرانِ خویش
به عزمِ خوابِ بی‌سکوت روان‌اند.

پیش‌ترک، با یقین آن که مرده، مرده است
تدفین او را ضیافتی ملال‌انگیز می‌سازند
با بوقلمون‌ها، خوک‌ها، و خطیبانِ دیگر.
مرگش را انتظار می‌کشند، وان‌گه خلاف می‌یابند،
تنها بدین سبب که دهانش بسته است
و دیگر به آوازی یارای پاسخش نیست!

رمز تأثیر انسانی بزرگ بر انسان بزرگ دیگر چنین است. مثل تأثیر عطار بر مولانا؛ مثل تأثیر نیما بر شاملو.
معجز جاودانه‌ی انسان‌های بزرگ چنین است.

۱. بانوی اقیانوس و صد غزل عاشقانه، عصر ۵۹، پابلونرودا / ترجمه‌ی فزاد نظیری - ثالث